

بازگشت منافع زائل شده؛ استقرار و استرداد دیات (خلأ زدایی قانونی از جنایت بر منافع)

طه زرگریان*

تاریخ: دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

چکیده

جنایت بر منفعت با صورت‌های متفاوتی مواجه است؛ گاهی منفعت عضو برای همیشه زائل شده و گاهی بعد از مدتی بازمی‌گردد. اگر منفعت برای همیشه زائل بماند، حکم دیه آن با پیچیدگی خاصی مواجه نیست. اما تصمیم درباره حکم دیه در ابتدای جنایت با توجه به عدم گذشت زمان، محل مناقشه با عنوان «استقرار دیه» است. همچنین تصمیم درباره حکم دیه در فرضی که منفعت زائل شده بعد از مدتی به مجنی علیه بازگردد، محل مناقشه با عنوان «استرداد دیه» است. زوال منافع، بدون گذشت زمان و همچنین بازگشت منافع بعد از گذشت زمان، دارای فروض متفاوتی است که تصمیم درباره استقرار و استرداد دیه را با صورت‌های چالشی مواجه می‌کند؛ مانند دیدگاه تخصصی پزشکی درباره بازگشت و عدم بازگشت منفعت در همان ابتدای جنایت، یا مانند آن که منفعت زائل شده تا چه زمان بعد از وقوع جنایت می‌تواند بازگشت مؤثر در تصمیم حقوقی داشته باشد. تبع در قانون مجازات اسلامی، بیانگر عمق خلأ قانونی دیات در فروض بازگشت منافع است. نخستین گام پژوهشی در مقاله پیش‌رو، به تنظیم ساختاری با فروض منسجم فقهی و پزشکی برای ارزیابی دیه بازگشت و عدم بازگشت منافع بازمی‌گردد. گام بعدی پژوهش، ناظر بر ساختار مذکور به ارزیابی آرای صاحب‌نظران فقه و حقوق درباره استقرار و استرداد دیه منحصر می‌شود. با استمداد از روش توصیفی - تحلیلی اثبات می‌شود که حکم استقرار دیه در ارتباط مستقیم با نظر تخصصی پزشک مبنی بر عدم بازگشت منفعت است. همچنین حکم به استرداد دیه، منحصر در بازگشت منفعت تا قبل از اتمام زمان مضبوط خواهد بود.

کلیدواژه: جنایت، منفعت، استقرار دیه، استرداد دیه.

بیان مسأله

حوزه دیات از جمله مباحث مهم و البته پیچیده است که علاوه بر این که ملحوف به مباحث خاص جزایی است، موضوع پرداخت پول به عنوان دیه، می تواند آن را پیچیده تر نماید. از جمله مهم ترین چالش های حوزه دیات، موضوع استقرار و استرداد دیه منافع است. در ضرب و جرح هایی که برای انسان ایجاد می شود، امکان زوال منفعت وجود دارد؛ مانند آن که ضربه ای به چشم وارد می شود و بینایی چشم زائل می شود. همچنین مانند موردی که ضربه ای به گوش وارد آید و شنوایی زائل شود. به محض وقوع جنایت و زوال منفعت، شخص مجنی علیه مدعی دریافت دیه است؛ اما آیا براساس قواعد فقه جزایی، می توان به صرف زوال منفعت و بدون گذشت زمان، حکم به استقرار دیه نمود؟ آیا دیدگاه تخصصی پزشک مبنی بر زوال دائمی یا موقت منفعت مورد نظر، می تواند اثر حقوقی در استقرار دیه داشته باشد؟ اگر حکم به استقرار دیه شده و منفعت زائل شده بعد از گذشت مدتی بازگردد، آیا می توان دیه مستقر شده را مسترد نمود؟ آیا از حیث مبانی فقه جزایی، می توان برای بازگشت منفعت زائل شده، مدت مضبوط تعریف نمود؟ اگر پاسخ به سؤال مذکور مثبت است، مرجع تعریف آغاز و سرانجام مدت مضبوط باچه کسی خواهد بود؟ سؤال مهم دیگری که ذهن را به خود مشول می سازد آن است که اگر منفعت زائل شده بعد از گذشت زمان نامعلوم به طور کامل به مجنی علیه بازگشت، آنگاه تکلیف دیه مستقر شده چه خواهد شد؟ آیا می توان حکم به استرداد دیه نمود؟ تمام سؤالات فوق درباره همه منافع موجود در بدن انسان قابل طرح است؛ بنابراین باید بررسی شود که آیا همه منافع موجود در انسان، از قوانین و مقررات واحد درباره موضوع مورد نظر تبعیت می کنند یا خیر؟ زوال منفعت به عنوان یک جنایت در فقه جزایی و همچنین طی ماده ۱۸۹ قانون مجازات اسلامی مورد تعریف قرار گرفته است، لکن زوال منفعت و بازگشت منفعت، دارای فرضیات متعددی است که منجر به سؤالات متعدد فوق الذکر می شود. خلاصاً

قانونی در پاسخ به سؤالات مذکور، موجب سردرگمی طرفین دعوا و همچنین معجری عدالت شده است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند با غور در مبانی فقه جزایی و ارائه ساختاری منسجم از فرضیات فقهی و پزشکی درباره بازگشت منافع، پاسخ سؤالات طرح شده را پژوهش نماید.

از نظر پیشینه پژوهش باید گفت فقهای امامیه و صاحب‌نظران حقوقی با تلاش‌های فراوان خود تلاش کرده‌اند که مباحث دیات را ارائه دهند. با تعمق در کتب فقهی مانند کتاب «جواهرالکلام» و «مبانی تکمله المنهاج»، می‌توان موضوع پژوهش حاضر را با قواعد کلی مشاهده نمود. همچنین پژوهشگران دانش فقه و حقوق با تلاش‌های ارزنده، تحقیقات باارزشی را در حوزه جنایات و به طور خاص، جنایات بر اعضاء قلم زده‌اند لکن تحقیقاً می‌توان گفت که موضوع پژوهش حاضر در کتب فقهی متقدم بسیار پراکنده است و پژوهش‌های عصر حاضر هم مستقیماً با موضوع پیش‌رو در ارتباط نیست. لذا تحقیق حاضر را می‌توان به عنوان نخستین پژوهش فقهی و قانونی متمرکز و منسجم درباره احکام دیات بازگشت و عدم بازگشت منافع در همه فروع معرفتی نمود.

جنایت بر تمامیت جسمانی می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد؛ لکن جنایت بر منافع از آنجا که میزان دیه آن می‌تواند با دیه کامل انسان برابری نماید، بسیار حساس بوده و نیازمند تدوین قوانین دقیق و بدون ابهام‌اند. از جمله مهم‌ترین چالش‌های موجود در جنایات بر منافع، موضوع بازگشت منفعت است که ممکن است در زمان‌های مختلف انجام شود. بازگشت منفعت می‌تواند با ادعاهای متفاوت جانی و مجنی^۱ - علیه همراه باشد که تلاش نمایند با متغیرهای کیفیت و کمیّت جنایات، احکام دیات را به نفع خود تغییر دهند. موضوع بازگشت و عدم بازگشت منفعت زائل شده در جنایات بر منافع با خلأ جدی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مواجه است که ناتوان در حلّ و فصل دعوی طرفین جنایت است. پژوهش حاضر با غور در منابع فقهی و

حقوقی تلاش می‌کند تا نتیجه تحقیق را به تنظیم قوانین لازم در موضوع بحث منتج نماید.

۱- مفهوم شناسی

اصطلاحات «منفعت عضو» و «پزشک متخصص» از اصطلاحات عملیاتی پژوهش حاضر محسوب می‌شوند.

منفعت عضو: اعضای جسم انسان دارای منافی هستند که انسان به واسطه آن منافع قادر به زیست خود می‌باشد. منافع موجود در انسان متعدد هستند؛ لکن منافع شش‌گانه‌ای که در پژوهش حاضر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد عبارتند از: منافع عقل، شنوایی، بینایی، بویایی، گویایی و چشایی.

پزشک متخصص: اصطلاح «پزشک متخصص» در پژوهش حاضر، شایع و البته کاربردی است. از جمله موارد کاربرد آن برای تشخیص زوال منفعت و یا تعیین مدت برای بازگشت منفعت زائل شده است. اگر گفته نشود که اصطلاح «پزشک متخصص» تنها معادل جامع و مانع اصطلاح «أهل الخبرة» در حوزه موضوعی بحث حاضر است، قطعاً قدر متیقن آن خواهد بود؛ زیرا فقهای امامیه برای تشخیص موارد زوال منفعت یا تعیین مدت برای بازگشت منفعت به اهل خبره ارجاع می‌دهند که کامل‌ترین مصداق آن در عصر حاضر، پزشک متخصص در منفعت مورد نظر است (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۴۶/۴۲؛ خمینی، ۱۳۹۲: ۶۲۹/۲؛ محقق حلی، ۱۴۱۳: ۲۵۶/۴).

۲- خلاء قانونی دیات در جنایت بر منافع

با تتبع در قوانین موضوعه می‌توان چهار ماده از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را مشاهده نمود که با موضوع استرداد دیه منافع در ارتباط است. دو ماده از چهار ماده مذکور عبارتند از مواد «۶۷۲» و «۶۷۴» قانون مجازات اسلامی که البته دو

ماده مذکور با هدف مستقیم پرداختن به موضوع استرداد دیه وضع نشده‌اند، بلکه در جریان تشریح موضوع دیگری به بحث استرداد دیه اشاره دارند. بدیهی است که این شیوه از اشاره به موضوع، نمی‌تواند مبین قوانین معین و مشخص استرداد دیه باشد. ماده ۶۷۲ ق.م.ا: «در مواردی که نظر کارشناسی بازگشت منفعت زائل یا ناقص شده در مدت معینی باشد چنان چه مجنی^۱ علیه قبل از مدت تعیین شده فوت کند دیه ثابت می‌شود.» ماده مذکور در مقام بیان مقررات تکلیف دیه بعد از فوت مجنی^۲ علیه ناظر بر موضوع بازگشت منفعت زائل یا ناقص شده در مدت معین است؛ لکن هیچگونه سخنی از بازه زمانی مدت معین و یا این که چه منفعی با چه معیارهایی در آن بازه تعریف خواهند شد و یا اگر بعد از گذشت زمان معین، منفعت زائل شده بازگشت، در این صورت تکلیف دیه چه خواهد شد؛ اینها همه مواردی است که مستقیماً ناظر به بحث استرداد دیه است که در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ مغفول واقع شده است. ماده ۶۷۴ ق.م.ا: «هرگاه در مهلتی که به طریق معتبری برای بازگشت منفعت زائل یا ناقص شده، تعیین گردیده، عضوی که منفعت، قائم به آن است از بین برود به عنوان مثال چشمی که بینایی آن به طور موقت از بین رفته است از حدقه بیرون بیاید، مرتکب، فقط ضامن ارش^۱ زوال موقت آن منفعت است و چنان چه از بین رفتن آن عضو به سبب جنایت شخص دیگر باشد مرتکب دوم، ضامن دیه کامل آن عضو می‌باشد.» موضوع اصلی ماده مذکور درباره عضوی است که منفعت خود را از دست داده و در مهلتی که به طریق معتبری برای بازگشت منفعت زائل یا ناقص شده بدان تعلق گرفته است، خود عضو از بین می‌رود. تمام بحثی که از موضوع استرداد دیه در

۱. مفهوم ارش در امور جزایی با مفهوم ارش در امور مدنی متفاوت است (ر.ک: ابوعطا؛ شمس الهی، ۱۳۹۰: ۹).
 ماده ۴۴۹ ق.م.ا: «ارش، دیه غیر مقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی^۲ علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می‌کند. مقررات دیه مقدر در مورد ارش نیز جریان دارد مگر این که در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود.»

ماده ۶۷۴ ق.م.ا به آن اشاره شده است عبارت مبهم «... مهلتی که به طریق معتبری برای بازگشت منفعت زائل یا ناقص شده ...» می باشد. کاملاً واضح است که ماده مذکور، بسیار ناقص تر از ماده پیشین به بحث استرداد دیه اشاره دارد. اما دو ماده قانونی دیگر عبات اند از مواد «۶۷۹» و «۶۸۶» قانون مجازات اسلامی. تفاوت دو ماده مذکور با دو ماده پیشین در انصراف به منفعت خاصی است که در دو ماده کنونی ایجاد شده است. ماده ۶۸۶ ق.م.ا: «هرگاه در اثر جنایتی در مجرای شنوایی، نقص دائمی ایجاد شود به نحوی که به طور کامل مانع شنیدن گردد، دیه شنوایی ثابت است و در صورتی که نقص موقتی باشد ارش تعیین می شود.» ماده مذکور درباره منفعت شنوایی وضع شده است که عبارت «نقص دائمی» و «نقص موقتی» می تواند شاهد توجه قانونگذار به موضوع استرداد دیه باشد؛ لکن همان طور که از ماده ۶۸۶ ق.م.ا واضح است توجه قانونگذار بسیار مبهم و البته با نقص های فراوان مواجه است. این که چه معیاری برای میزان بازه زمانی بازگشت منفعت شنوایی تعریف شود و یا هرگاه بعد از اتمام مدت انتظار، منفعت شنوایی بازگردد تکلیف دیه چه خواهد شد؟ برخی از نکات مهمی است که در پس وضع ماده ۶۸۶ درباره منفعت شنوایی ضایع گردیده است. چهارمین ماده در حوزه استرداد دیه ماده ۶۷۹ ق.م.ا است. ماده ۶۷۹ ق.م.ا: «هرگاه در اثر جنایتی عقل زائل گردد و پس از دریافت دیه کامل عقل برگردد، دیه مسترد و ارش پرداخت می شود.» ماده مذکور را می توان شفاف ترین ماده در حوزه استرداد دیه منافع از میان سه ماده پیشین دانست. قانونگذار بدون آن که استرداد دیه را مانند مواد قانونی قبل در حاشیه قانون نگه دارد، مستقیماً به بحث استرداد دیه پرداخته است. اما دو اشکال اساسی به ماده موردنظر وارد است؛ اشکال نخست آن است که ماده ۶۷۹ ق.م.ا در باره بازگشت دیه منفعت عقل است که قوانین آن را نمی توان به منافع دیگر توسعه داد؛ زیرا قانونگذار در ماده مذکور به صراحت فقط درباره بازگشت منفعت عقل سخن کرده و توسعه آن به مواد دیگر، غیر قابل توجیه و خارج از قواعد فقه و حقوق است.

اشکال دوم به چگونگی وضع ماده به همان منفعت عقل بازمی‌گردد؛ نهایت سخن ماده ۶۷۹ آن است که اگر منفعت عقل بازگشت، دیه مسترد شده و ارش پرداخت شود. حکم مذکور، محلّ ابهام است؛ زیرا منظور قانونگذار از بازگشت عقل به کدام زمان اختصاص یافته است؟ هر چند نقایص موضوع بازگشت یا عدم بازگشت منفعت در چهار مواد مذکور تا حدودی تشریح شد، لکن ادامه پژوهش پیش‌رو می‌تواند ضعف قانون مجازات اسلامی درباره موضوع حاضر را دوچندان منعکس نماید.

۳- ساختاری برای بحث بازگشت منافع زائل شده

از جمله مواردی که می‌تواند موجب تدقیق در وضع قوانین استقرار و استرداد دیه منافع شود، تعریف ساختاری منسجم با زوایای مؤثر فقهی و پزشکی است. هرگاه جنایتی بر منفعت حادث شود و منفعت موردنظر زائل شود می‌توان حادثه رخ داده را از جهت بازگشت و عدم بازگشت منفعت زائل شده به صور ذیل، ساختارمند نمود و لزوم دیه یا ارش را بر پایه فروض موجود مورد ارزیابی قرار داد:

(الف) عدم امید به بازگشت منفعت: شدت ضربات یا جراحات می‌تواند بر عضو دارای منفعت به گونه‌ای باشد که منفعت آن عضو، تحت تأثیر قرار گرفته و به طور دائم زائل شود. پزشک متخصص در این مواقع با انجام آزمایش‌های تخصصی و همچنین با تجارب عملی و شواهد و قرائن موجود اعلام می‌دارد که امیدی به بازگشت منفعت زائل شده نیست.

(ب) بازگشت منفعت در فرض عدم امید به بازگشت منفعت: فرض مذکور که پیرو فرض فوق، قابل تحقق است از این قرار است که علیرغم دیدگاه تخصصی پزشک مبنی بر عدم بازگشت منفعت، اما منفعت زائل شده به معنی‌^۱ علیه باز می‌گردد.

ج) امید به بازگشت منفعت در زمان مضبوط: آزمایش‌های تخصصی و تجارب علمی پزشک متخصص در بعضی موارد منتج به دیدگاه تخصصی پزشک مبتنی بر امید به بازگشت منفعت زائل شده در یک بازه زمانی مضبوط می‌باشد. براین اساس، پزشک متخصص براساس شواهد علمی که در اختیار دارد اقدام به تعریف یک بازه زمانی مشخص برای بازگشت منفعت زائل شده می‌نماید.

د) بازگشت منفعت در زمان مضبوط: بسیار محتمل است که آزمایش‌ها و تجارب علمی پزشک متخصص برای بازگشت منفعت زائل شده در یک زمان مضبوط به واقعیت پیوند و منفعت موردنظر تا قبل از پایان زمان مضبوط به معنی^۱ علیه باز گردد.

ه) بازگشت منفعت بعد از زمان مضبوط: هرچند پزشک متخصص بر پایه شواهد و قرائن علمی به بازگشت منفعت زائل شده امید دارد و جهت بازگشت آن منفعت، اقدام به تعریف بازه زمانی مضبوط می‌نماید لکن احتمال عدم بازگشت منفعت تا پایان زمان مضبوط قابل طرح است. بر این اساس باید گفت در بعضی موارد ممکن است که منفعت زائل شده تا پایان زمان مضبوط بازنگشته و بعد از اتمام زمان مضبوط به معنی^۱ علیه بر گردد.

ز) امید به بازگشت منفعت در زمان غیر مضبوط: گاهی ویژگی حادث بر منفعت به گونه‌ای است که پزشک متخصص براساس آزمایش‌های تخصصی به این نتیجه می‌رسد که دیدگاه عدم امید به بازگشت منفعت، قابل احراز نیست؛ لکن پزشک متخصص به جهت علمی نمی‌تواند انصراف به احتمال بازگشت منفعت در یک بازه زمانی مضبوط داشته باشد. در فرض مذکور، پزشک متخصص ناظر بر شواهد و قرائن علمی و تجربی به این نتیجه می‌رسد که امید به بازگشت منفعت وجود دارد اما نمی‌تواند بازه زمانی احتمالی را برای بازگشت منفعت در نظر بگیرد.

ح) بازگشت منفعت در زمان غیر مضبوط: فرض مذکور که پیرو فرض فوق قابل تحقق است عبارت است از این که منفعت زائل شده در زمان نامعلومی بدون بنای ضبط زمان مشخص توسط پزشک متخصص به مجنی علیه باز می‌گردد.

۴- دیه منافع در ساختار بازگشت منافع

اکنون که تعریف ساختار برای فروض زوال و بازگشت منافع انجام شد، حال می‌توان ساختار پیشگفته را جهت دور ماندن از تشویش در ارائه بحث، تحت سه عنوان کلی: «عدم امید به بازگشت منفعت»، «امید به بازگشت منفعت در زمان مضبوط» و «امید به بازگشت منفعت در زمان غیر مضبوط» تنظیم نمود و آرای و ادله فقهای امامیه را مورد طرح قرار داد. لازم به تأکید است که همه فروض موجود در ساختار پیش‌گفته، تحت سه عنوان کلی فوق الذکر، مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

۴-۱- منفعت عقل

زوال منفعت عقل، برابر با دیه کامل انسان است (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۲۹/۴۲).

۴-۱-۱- عدم امید به بازگشت منفعت

اگر پزشک متخصص بر این باور باشد که جنایت ایجاد شده به صورتی است که منفعت عقل به طور دائم زائل شده است در این صورت، دیه منفعت عقل مستقر خواهد شد (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲۵۴/۱۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۶۸۴/۳). اگر منفعت عقل به مجنی علیه بازگشت، دیه عقل، قابل استرداد نخواهد بود (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲۵۴/۱۰؛ ابن سعید، ۱۴۰۵: ۵۹۵)؛ زیرا بازگشت عقل با وجود تأیید پزشک متخصص مبنی بر عدم بازگشت، یک عطیه الهی است (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲۵۴/۱۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۶۸۴/۳).

۴-۱-۲- امید به بازگشت منفعت در زمان مضبوط

اگر پزشک متخصص بر این باور باشد که عارضه ایجاد شده برای منفعت عقل، زائل خواهد شد و منفعت از بین رفته باز خواهد گشت دیه عقل، مستقر نخواهد شد و

ناظر بر دیدگاه تخصصی پزشک، اقدام به تعریف بازه زمانی برای بازگشت منفعت می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۶۸۴/۳). اگر منفعت زائل شده تا قبل از پایان مدت مضبوط بازگردد، ارش مدت عدم منفعت عقل، مستقر می‌شود (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۳۱/۴۲)؛ زیرا بازگشت عقل در طول مدت مضبوط، کاشف از این مطلب است که عقل به طور حقیقی و واقعی از بین نرفته بود (همان). گروهی از فقها با استناد به صحیحہ ابو عبیدہ حذاء^۱، مدت مضبوط را یک سال می‌دانند (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۳۰/۴۲) اما اگر منفعت زائل شده، همچنان در طول مدت مضبوط بازنگشت حکم به استقرار دیه می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۶۸۴/۳)؛ حال اگر مدت مضبوط به پایان رسد و آنگاه منفعت عقل بازگردد به حکم وفاق فقهای امامیه دیه قابل استرداد نخواهد بود (ر.ک: خوئی، ۱۴۱۸: ۴۳۱/۴۲). بعضی از متون فقهی بدون اشاره به زمان مضبوط، مطلقاً اعلام می‌دارند که اگر منفعت عقل به واسطه جنایتی زائل شده و بعد از آن به مجنی^۲ علیه بازگردد دیه عقل برای مجنی^۳ علیه خواهد بود؛ زیرا برگشت منفعت را یک عطیة الهی می‌دانند (محقق حلی، ۱۴۱۳: ۲۵۵/۴؛ نجفی، بی تا: ۲۹۵/۳).

لازم به ذکر است که هر چند کلام مذکور به صورت کلی است و منفعت بازآمده را منحصر به بعد از اتمام زمان مضبوط نکرده است، لکن حکم آن در حال اطلاق، به طریق اولی همان حکم در تقیید به زمان مضبوط خواهد بود؛ زیرا این گروه از فقها، ثبوت دیه را به طور مطلق در فرض بازگشت منفعت عقل در زمان نامعلوم، ثابت می‌دانند؛ پس به طریق اولی اگر بازه زمانی برای بازگشت منفعت تعریف شود و منفعت

۱. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى... عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ رَجُلٍ ضَرَبَ رَجُلًا بِعَمُودٍ فَسَطَّطَ عَلَى رَأْسِهِ ضَرْبَةً وَاحِدَةً فَأَجَافَهُ حَتَّى وَصَلَتِ الضَّرْبَةُ إِلَى الدِّمَاغِ فَذَهَبَ عَقْلُهُ فَقَالَ لَهُ... فَإِنَّهُ يَنْتَظِرُ بِهِ سَنَةً. از امام باقر (ع) درباره شخصی پرسیدم که با ستون خیمه بر سر مردی یک بار کوبیده تا آن که ضربه به مغز او رسیده و عقلش از بین رفته است. حضرت فرمودند: ... در این صورت یک سال منتظر می‌ماند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۵/۷، حدیث ۱).

در آن بازه زمانی باز نگردد و بازگشت آن بعد از اتمام زمان مضبوط محقق شود، استقرار دیه لازم خواهد بود.

۴-۱-۳- امید به بازگشت منفعت در زمان غیر مضبوط

امیدواری پزشک متخصص به بازگشت عقل در زمان نامعلوم، برابر با استقرار دیه جنایت خواهد بود؛ زیرا عدم استقرار دیه، موجب سقوط حق مجنی علیه می شود (حسینی عاملی، بی تا: ۴۵۷/۱۰). سقوط حق مجنی علیه در فرض مذکور، با موضوع زوال منفعت بینایی سنجیده شده است؛ زیرا فقهای امامیه به صراحت در بازگشت منفعت بینایی در زمان نامعلوم، حکم به استقرار دیه کرده و عدم آن را موجب زیان مجنی علیه دانسته به گونه ای که جانی می تواند با استناد به امید به بازگشت منفعت، پرداخت دیه را تا بی نهایت به تأخیر انداخته تا سرانجام، منجر به سقوط و از بین رفتن دیه شود (نجفی، بی تا: ۳۰۲/۳؛ خمینی، ۱۳۹۲: ۶۲۹/۲). لکن اگر امید پزشک متخصص به واقعیت پیوسته و منفعت عقل در زمان نامعلوم به مجنی علیه بازگردد حکم به عدم استرداد دیه خواهد شد؛ زیرا علاوه بر اقامه دلیل اصل برائت از استرداد دیه (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۰۶/۱۱)، بازگشت عقل به مثابه عطیه الهی دانسته می شود (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۶۸۴/۳).

۴-۲- منفعت شنوایی

از بین رفتن کامل شنوایی، یک دیه کامل دارد (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۳۲/۴۲).

۴-۲-۱- عدم امید به بازگشت منفعت

فقهای امامیه در فرض مذکور، به استقرار دیه اعتقاد دارند (محقق حلی، ۱۴۱۳: ۲۵۵/۴؛ خمینی، ۱۳۹۲: ۶۲۸/۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲۵۴/۱۰). دیدگاه مذکور به مشهور فقها نسبت داده شده و در مورد آن اجماع منقول و محصل وجود دارد (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۳۴/۴۲؛ نجفی، بی تا: ۲۹۷/۳).

۴-۲-۲- امید به بازگشت منفعت در زمان مضبوط

بر اساس دیدگاه فقهای امامیه، دیه در فرض مذکور مستقر نمی‌شود تا مدت مضبوط به انتها رسد (نجفی، بی تا: ۲۹۷/۴۳؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۲۶/۷). اگر منفعت شنوایی تا قبل از اتمام مدت مضبوط به مجنی علیه بازگردد، حکم به ارش مدت ناشنوایی خواهد شد (حسینی عاملی، بی تا: ۴۶۰/۱۰؛ نجفی، بی تا: ۲۹۷/۳). محقق خوئی در فرض حاضر، هرچند به روایت سلیمان بن خالد^۱ توجه داده و ناظر بر آن، مدت لازم برای بازگشت منفعت را یکسال می‌داند اما در نهایت بحث به صراحت اعلام می‌دارد که نظر مشهور فقها به یک سال مقید نشده است، بلکه تعیین مدت مضبوط برای بازگشت منفعت شنوایی بسته به نظر پزشک متخصص تعیین می‌شود (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۳۴/۴۲). گروه دیگری از فقها با تأیید ثبوت ارش در فرض مورد بحث با عبارت «و لو بعد مدّه»، فقط به سپری شدن مدتی اشاره کرده و آن را مضبوط به زمان خاصی نکرده‌اند (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۵۹/۲۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲۵۵/۱۰). گروه دیگری از فقها، مدت مضبوط را با عبارت «سپری شدن مدت متعارف» اعلام می‌دارند (خمینی، ۱۳۹۲: ۶۲۸/۲) اما اگر منفعت شنوایی در مدت مضبوط بازنگردد، حکم به استقرار دیه خواهد شد (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۶۸۵/۳؛ محقق حلی، ۱۴۱۳: ۲۵۵/۴؛ خمینی، ۱۳۹۲: ۶۲۸/۲؛ نجفی، بی تا: ۲۹۷/۳). اگر منفعت شنوایی بعد از اتمام مدت مضبوط بازگردد حکم به استرداد دیه نخواهد شد (خمینی، ۱۳۹۲: ۶۲۸/۲)؛ زیرا بازگشت منفعت شنوایی به مثابه عطیه الهی است (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۳۴/۴۲) لکن در این میان، صاحب جواهر بر این باور است که اگر مدت مضبوط به اتمام رسید و منفعت شنوایی بازگشت، حکم به ارش مدت ناشنوایی خواهد شد؛ زیرا

۱. الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ خَالِدٍ ... فِي رَجُلٍ ضَرَبَ رَجُلًا فِي أُذُنِهِ بِعَظْمٍ فَأَدْعَى أَنَّهُ لَا يَسْمَعُ قَالَ «يُرْتَصَدُّ وَيَسْتَعْفَلُ وَيَنْتَظَرُ بِهِ سَنَةٌ ...» حضرت صادق علیه السلام درباره شخصی که با استخوان به گوش مردی زده و آن مرد ادعا دارد که شنوایی خود را از دست داده است، فرمود: در کمین او می‌ماند و یک سال از او تغافل می‌شود و منتظر می‌ماند ... (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۲۶۴/۱۰، حدیث ۷۷).

معلوم می‌شود که شنوایی مجنی^۱ علیه به طور کامل از بین نرفته بود، یا اینچنین گفته می‌شود که زمان مضبوط از سوی پزشک متخصص به اشتباه محاسبه شده است (نجفی، بی تا: ۲۹۷/۳).

۴-۲-۳- امید بازگشت منفعت در زمان غیر مضبوط

حکم فرض مذکور در نگاه فقهای امامیه، استقرار دیه است؛ زیرا انتظار نامشخص برای بازگشت منفعت شنوایی، مقتضی سقوط دیه خواهد شد (نجفی، بی تا: ۲۹۷/۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۰۹/۱۱).

۴-۳- منفعت بینایی

زوال کامل بینایی هر دو چشم، یک دیه کامل دارد (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۳۸/۴۲).

۴-۳-۱- عدم امید به بازگشت منفعت

فقهای امامیه در فرض مذکور به استقرار دیه اعتقاد دارند (نجفی، بی تا: ۳۰۲/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۴۷/۱۵؛ خمینی، ۱۳۹۲: ۶۲۹/۲)؛ لکن محقق خوئی به صرف عدم امید به بازگشت دیه، اعتقادی به استقرار دیه ندارد. ایشان بر این باور است که بعد از گذشت مدتی باید به داوری بازگشت بینایی نشست؛ اگر منفعت بینایی در فرض حاضر - یعنی عدم امید به بازگشت بینایی - به مجنی^۲ علیه بازگردد حکم به استقرار ارش خواهد شد (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۴۰/۴۲)؛ زیرا بازگشت بینایی، کاشف از آن است که بینایی مجنی^۳ علیه از همان ابتدا از بین نرفته بود و فقط مانعی موقتی برای بینایی وی ایجاد شده بود. اما اگر معلوم شود که بینایی از همان ابتدا زائل شده بود و بازگشت مجدد بینایی، عطیة الهی به مجنی^۴ علیه است آنگاه حکم به استقرار دیه خواهد شد (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۴۰/۴۲).

۴-۳-۲- امید بازگشت منفعت در زمان مضبوط

فقهای امامیه در فرض مذکور، دیه را مستقر نمی‌دانند؛ زیرا اصل، عدم وجوب پرداخت دیه است و زوال دائمی منفعت بینایی که ملاک ثبوت پرداخت دیه است هنوز محقق نیست (نجفی، بی تا: ۳۰۲/۳). بر این اساس، لازم است که مدتی را برای

بازگشت منفعت به انتظار نشست و بعد از سپری شدن مدت، به ثبوت یا عدم ثبوت دیه بینایی حکم نمود. موضوع مهم در فرض حاضر به میزان مدت انتظار بازمی‌گردد؛ گروهی از فقها، مدت انتظار را به سپری شدن مدتی معین که از سوی پزشک متخصص مشخص می‌شود مقید می‌نمایند (محقق حلی، ۱۴۱۳: ۲۵۶/۴)؛ گروه دیگری از فقها عبارت «متعارف» را به عبارت «معین» اضافه نموده و مدت انتظار را به سپری شدن مدتی متعارف مقید می‌نمایند (خمینی، ۱۳۹۲: ۶۳۰/۲). صاحب جواهر الکلام با صحیح خواندن روایت سلیمان بن خالد،^۱ اشاره‌ای به یک سال بودن مدت انتظار برای بازگشت منفعت می‌نماید. لکن محقق خوئی با رد مدت به میزان یک سال، بر این باور است که روایت سلیمان بن خالد به علت وجود روای به نام «حماد بن زید»، روایت ضعیفی است که هیچ یک از فقهای امامیه به آن عمل نکرده اند (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۴۰/۴۲). اما اگر منفعت بینایی تا قبل از اتمام مدت مضبوط به مجنی^۲ علیه باز گردد فقهای امامیه، حکم به استقرار ارش می‌کنند (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۶۱۰/۵؛ نجفی، بی‌تا: ۳۰۲/۳) و اگر منفعت بینایی تا اتمام زمان مضبوط باز نگردد، حکم به استقرار دیه خواهد شد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۲۸/۷؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۶۱۰/۵؛ خمینی، ۱۳۹۲: ۶۳۰/۲؛ نجفی، بی‌تا: ۳۰۲/۳) و چنان چه منفعت بینایی بعد از اتمام زمان مضبوط باز گردد دیه قابل استرداد نیست و این بازگشت منفعت بعد از انقضای زمان مضبوط، به مثابه عطیه ای الهی است (نجفی، بی‌تا: ۳۰۲/۳)

۴-۳-۳- امید بازگشت منفعت در زمان غیر مضبوط

۱. رَوَى... حَمَادُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْعَيْنِ يَدْعِي صَاحِبَهَا أَنَّهُ لَا يُبْصِرُ بِهَا قَالَ يُوجَلُّ سَنَةً ثُمَّ يُسْتَحْلَفُ... (از حضرت صادق(ع) درباره چشم که صاحبش ادعا دارد که با آن نمی‌بیند، پرسیدم. حضرت فرمود: یک سال مهلت داده می‌شود، سپس بعد از یک سال او را سوگند می‌دهند ... (شیخ صدوق، ۱۳۶۳: ۱۳۳/۴، حدیث ۵۲۹۰). روایت دیگری مشابه با سلسله سند روایت مذکور درباره صرف منفعت بینایی در کتاب تهذیب الاحکام موجود است (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۲۶۶/۱۰، حدیث ۸۱).

حکم فرض مذکور نزد فقهای امامیه، استقرار دیه است (نجفی، بی تا: ۳۰۲/۳؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۲۸/۷؛ خمینی، ۱۳۹۲: ۶۳۰/۲)؛ زیرا فرض عدم استقرار دیه، موجبات زیان مجنی^۱ علیه را فراهم می‌نماید؛ چراکه جانی می‌تواند با استناد به امید بازگشت منفعت، پرداخت دیه را همواره به تأخیر انداخته تا منجر به سقوط و از بین رفتن دیه شود (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۱۳/۱۱؛ نجفی، بی تا: ۳۰۲/۳)؛ لکن اگر امید پزشک متخصص به واقعیت پیوسته و منفعت بینایی در زمان نامعلوم به مجنی^۲ علیه باز گردد گروهی از فقهای امامیه بر این باورند که دو حالت برای فرض موردنظر متصور است: حالت اول، به زمانی بر می‌گردد که بازگشت بینایی، کاشف از این باشد که بینایی مجنی^۳ علیه از همان ابتدا از بین نرفته بود و فقط مانعی موقتی برای بینایی وی ایجاد شده بود؛ حال آن چه که در فرض مذکور بر ذمه جانی خواهد آمد، ارش مدت نایبایی است (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۴۰/۴۲). بر این اساس، لازم است که ارش مدت نایبایی را از دیه اخذ شده برداشته و بقیه آن را به جانی برگرداند (نجفی، بی تا: ۳۰۲/۳)؛ حالت دوم، به زمانی بر می‌گردد که اگر معلوم شود بینایی از همان ابتدا زائل شده است و بازگشت مجدد بینایی، عطیه الهی به مجنی^۴ علیه است آنگاه دیه کامل بینایی ثابت خواهد بود (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۴۰/۴۲).

۴-۴- منفعت بویایی

از بین رفتن کامل بویایی، یک دیه کامل دارد (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۶۸۸/۳).

۴-۴-۱- عدم امید به بازگشت منفعت

فقهای امامیه در فرض مذکور، قائل به استقرار دیه هستند (نجفی، بی تا: ۳۱۱/۳) لکن اگر بعد از تشخیص عدم بازگشت منفعت از سوی پزشک متخصص، منفعت بویایی به مجنی^۵ علیه باز گردد فقهای امامیه قائل به تفصیل دو صورت هستند: صورت اول آن است که اگر مشخص شود پزشک متخصص در عدم بازگشت بویایی اشتباه کرده است به طوری که مانعی برای بویایی وجود داشته است که در طول زمان

برطرف شده است، در این صورت حکم به استرداد دیه شده و ارش مدّت نایبایی ثابت می‌شود. صورت دوم آن است که اگر پزشک متخصص در تشخیص عدم بازگشت بویایی اشتباه نکرده است، بازگشت جدید بویایی به مثابه عطیه الهی محسوب شده و دیه مسترد نمی‌شود (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۴۶/۴۲؛ نجفی، بی تا: ۳/۳۱۱). گروهی از فقها به احتمال تشخیص اشتباه پزشک متخصص اشاره نکرده و بازگشت جدید بویایی را بعد از تشخیص پزشک متخصص مبنی بر عدم بازگشت بویایی، هبه الهی دانسته و دیه را غیر قابل استرداد می‌دانند (علامه حلّی، ۱۴۱۳: ۶۸۸/۳).

۴-۲- امید به بازگشت منفعت در زمان مضبوط

فقهای امامیه در فرض مذکور به عدم استقرار دیه قائل هستند تا زمان تعیین شده به پایان رسیده و تکلیف بازگشت یا عدم بازگشت منفعت بویایی روشن شود (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۱۹/۱۱). اگر منفعت بویایی تا قبل از اتمام مدّت معین به معنیّ علیه بازگردد حکم به ثبوت ارش می‌شود (حسینی عاملی، بی تا: ۴۷۲/۱۰؛ نجفی، بی تا: ۴۶۴/۳). صاحب تحریر الوسیله دیدگاه مزبور را با عبارت «لو عاد الشّم قبل أداء الدیه فالحکومه» تأیید می‌نماید؛ هرچند عبارت صاحب تحریر با اشکال بعضی از فقها مواجه شده است که چرا ایشان، محور بحث را «عود قبل الأداء و بعد الأداء» قرار داده است در حالی که در روایت سلیمان بن خالد و کلام همه فقهای امامیه، محور بحث، عود قبل از مدّت معین و بعد از مدّت معین قرار گرفته است (سبحانی، ۱۳۹۲: ۴۳۵)، اما با مذاقه در عبارات بعدی صاحب تحریر، می‌توان دریافت که عبارت «قبل أداء الدیه» به همراه عبارت «قبل انقضاء المدّه» که چند سطر بعد از عبارت پیشین آمده است قرینه‌ای بر بازگشت منفعت بویایی در فرض ناتمام ماندن مدّت مضبوط است، نه در فرض «عود قبل الأداء و بعد الأداء» (خمینی، ۱۳۹۲: ۶۳۱/۲) و اما هرگاه مدّت مضبوط به اتمام رسد و منفعت بویایی بازنگردد، حکم به استقرار دیه می‌شود (علامه حلّی، ۱۴۱۳: ۶۸۸/۳؛ حسینی عاملی، بی تا: ۴۷۲/۱۰؛ لکن اگر منفعت بویایی بعد از اتمام زمان

مضبوط به مجنی^۱ علیه بازگردد فقهای امامیه قائل به عدم استرداد دیه هستند (محقق حلی، ۱۴۱۳: ۲۵۷/۴؛ حسینی عاملی، بی تا: ۴۷۲/۱۰)؛ زیرا بازگشت منفعت جدید را به مثابه عطیة الهی می دانند (حسینی عاملی، بی تا: ۴۷۲/۱۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۳۸/۵). گروهی از فقها با تأیید عدم استرداد دیه اما حکم فرض مورد بحث را به تصالح منصرف می دانند (خمینی، ۱۳۹۲: ۶۳۱/۲).

۴-۳-۴- امید بازگشت منفعت در زمان غیر مضبوط

براساس جستجوهای صورت گرفته باید گفت که کلام فقهای امامیه در فرض امید به بازگشت منفعت بویایی در زمان غیر مضبوط به صورت کلی است و بازگشت بویایی با قید «لا مدّه معلومه» مانند منافع پیش گفته مورد بحث مستقیم قرار نگرفته است. فقهای امامیه به صورت مطلق بیان می دارند که اگر منفعت بویایی زائل شده و بعداً دوباره به مجنی^۱ علیه بازگردد آنگاه دیه اخذ شده قابل استرداد نیست (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۶۱۲/۵)؛ زیرا بازگشت دوباره منفعت به مثابه هبه الهی به مجنی^۱ علیه است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۳۸/۵).

۴-۵- منفعت گویایی

از بین رفتن کامل گویایی، یک دیه کامل دارد (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۴۷/۴۲).

۴-۵-۱- عدم امید به بازگشت منفعت

حکم فرض موردنظر نزد فقهای امامیه، استقرار دیه است (روحانی، بی تا: ۴۲۷/۳) لکن اگر منفعت گویایی بعد از مدتی به مجنی^۱ علیه بازگردد از آن جهت که پزشک متخصص به عدم بازگشت حکم کرده بود، دیه مسترد نمی شود و بازگشت دوباره منفعت گویایی به مثابه هبه الهی به مجنی^۱ علیه است (ر.ک: صیمری، ۱۴۰۸: ۱۷۲/۳).

۴-۵-۲- امید بازگشت منفعت در زمان مضبوط

فرض موردنظر نزد فقهای امامیه به طور مستقیم و مفصل مورد بررسی واقع نشده است، بلکه به طور کلی بیان شده که قواعد بازگشت منفعت گویایی همانند قواعد بازگشت منافع دیگر مانند شنوایی و بینایی است (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۴۶/۴۲). براساس

دیدگاه مذکور، امید به بازگشت منفعت گویایی موجب عدم استقرار دیه است. در تأیید حکم مذکور می‌توان عبارت «فإن شهدوا بالیأس من عود النطق فالدیه کامله، و إلا فالحکومه: اگر امیدی به بازگشت منفعت گویایی نیست، دیه مستقرّ می‌شود و اگر امید به بازگشت منفعت هست، دیه مستقرّ نشده و در صورت بازگشت منفعت، حکم به ارش می‌شود» را مورد توجه قرار داد؛ زیرا فرض امیدواری پزشک متخصص به بازگشت منفعت گویایی به حکم «فالحکومه» منصرف شده است؛ این بیانگر آن است که در فرض امید به بازگشت منفعت گویایی، دیه مستقرّ نشده است (روحانی، بی تا: ۴۲۷/۳).

۴-۶- منفعت چشایی

با تتبع در کتب فقهی معلوم می‌شود که فقهای امامیه موضوع منفعت چشایی را همانند منافع عقل، بینایی، شنوایی و بویایی مورد بحث قرار نداده‌اند؛ لکن با تدقیق در بعضی از کتب فقهی می‌توان نصوص فقهایی را مورد نظر قرار داد که موضوع بازگشت منفعت چشایی را خیلی کلی و بدون تقسیم بندی خاصی مورد توجه قرار داده و بحث کرده‌اند. عبارت کلی که درباره بازگشت منفعت چشایی در چند کتب فقهی قابل مشاهده است عبارت است از «لو عاد الذوق تستعاد الدیه و الأحوط التصالح: اگر منفعت چشایی بازگردد، دیه استرداد شده و طرفین دعوا مصالحه کنند» (خمینی، ۱۳۹۲: ۶۳۲/۲). عبارت مذکور با اضافه شدن واژه «فالحکومه» در بعضی دیگر از کتب فقهی قابل مشاهده است: «لو عاد الذوق فالحکومه و تستعاد الدیه: اگر منفعت چشایی بازگردد، لازم است که دیه مسترد شده و ارش مدت عدم چشایی ثابت شود» (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۷۷/۲۹). در هیچ یک از عبارات مذکور اشاره نشده است که احکام ارش و استرداد دیه در کدام فروض پیش گفته به وقوع پیوسته است؛ لکن آن چه که معلوم است، عبارت از آن است که اگر منفعت چشایی بازگردد لازم است که دیه مسترد شود و ارش مدت عدم چشایی یا مبلغ مصالحه شده‌ای ثابت شود. صاحب

مهدّب الاحکام اضافه می‌نماید که استرداد دیه، منوط به آن است که بازگشت منفعت دوباره چشایی، هبه الهی به مجنیّ علیه نباشد؛ زیرا در این صورت، دیه مسترد نخواهد شد (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۷۷/۲۹).

۵- ملاک واحد در وضع دیه منافع زائل شده

تا این بخش از مقاله تلاش شد که تعریفی جامع و مانع از ساختار بازگشت منافع صورت پذیرد. همچنین تلاش شد تا دیدگاه و ادله صاحب‌نظران دانش فقه و حقوق درباره دیه منافع ناظر بر ساختار پیش‌گفته طرح شود. اکنون با مقدمات پیش‌رو می‌توان ضمن ارزیابی آراء موجود در ریز ساختار موردنظر، به تعریف ملاکی واحد برای وضع دیات منافع زائل شده اقدام کرد تا بازگشت و عدم بازگشت همه منافع از ملاک واحد تبعیت کنند.

۵-۱- عدم امید به بازگشت منفعت

با ارزیابی اقوال فقهای امامیه می‌توان به این قاعده دست یافت که آن چه موجب استقرار دیه است، زوال دائمی منفعت موردنظر است. این زوال منفعت و موضوع قرار گرفتن برای استقرار دیه، همان چیزی است که پزشک متخصص با امکانات علمی و تجهیزات پزشکی قادر به تشخیص اولیه آن است؛ از اینرو می‌توان نسبت به جایگاه تشخیص پزشک متخصص در صدور حکم فقهی تأکید نمود. براساس مطالب مذکور، حکم فرض موردنظر، یعنی عدم امید به بازگشت منفعت توسط پزشک، استقرار دیه خواهد بود؛ زیرا پزشک متخصص براساس شواهد علمی و قرائن تجربی دریافت کرده است که موضوع استقرار دیه؛ یعنی زوال دائمی منفعت محقق شده است (محقق حلّی، ۱۴۱۳: ۲۵۵/۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲۵۴/۱۰؛ نجفی، بی‌تا: ۳/۳۱۱).

۵-۲- بازگشت منفعت در فرض عدم امید

بعد از اعلام نظر تخصصی پزشک مبنی بر عدم امید به بازگشت منفعت، ممکن است منفعت زائل شده باز آید. فقها در منافع بینایی و بویایی صراحتاً اعلام می‌دارند

که باید قائل به تفصیل شد؛ اگر مشخص شود که بازگشت دوباره منفعت، کاشف از آن است که منفعت مجنی^۱ علیه از همان ابتدا از بین نرفته بود، ارش مدّت عدم منفعت لازم می شود و استرداد دیه صورت می گیرد؛ لکن اگر مشخص شود که بازگشت دوباره منفعت، عطیه الهی به مجنی^۲ علیه است، استرداد دیه لازم نیست (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۴۰/۴۲؛ نجفی، بی تا: ۳/۳۱۱)؛ هر چند در حکم مذکور، تفصیل صورت گرفته است لکن با مذاقه در تفصیل مشروح، معلوم می شود که همچنان محوریت استرداد یا عدم استرداد دیه با دیدگاه تخصصی پزشک است؛ زیرا کافی است که مشخص شود منفعت بازآمده، ناشی از اشتباه پزشک در تشخیص عدم بازگشت منفعت نبوده است، بلکه منفعت بازآمده ناشی از هبه الهی به مجنی^۳ علیه است که در صورت مذکور، همچنان دیه مسترد نخواهد شد. اما نکته قابل توجه در دیدگاه تفصیل داده شده، اعتبار سنجی آن در عالم واقع است. اگر امروزه پزشک متخصص با در دست داشتن تمام تجهیزات و تجارب علمی و آزمایش های پزشکی به این نتیجه رسید که منفعت زائل شده، غیر قابل بازگشت است و البته بعد از این حکم و استقرار دیه، منفعت زائل شده باز گردد آیا به جهت علمی، جایی برای تفصیل مذکور هست؟! مسأله کلیدی در موضوع حاضر این است که اصولاً از کجا معلوم می شود که منفعت بازآمده، عطیه الهی است و همان منفعت قبلی نیست که بعد از رفع موانع ظاهر شده است؟ آیا منفعت جدید با منفعت قبلی تفاوت خاصی دارد؟ از طرفی، تشخیص این که آیا منفعت بازآمده همان منفعت قبلی بوده یا هبه الهی است با چه کسی است؟ اگر با پزشک متخصص است که قاعداً هم همی منظور است، باید گفت که پزشک متخصص چه تجهیزات جدیدی برای تشخیص منفعت از هبه بودن و غیر هبه بودن دارد؟ پزشک متخصص همان تجهیزاتی را در تشخیص دوباره بازگشت منفعت دارد که در همان ابتدای جنایت در اختیار داشت؛ پزشک متخصص می تواند اعلام کند که منفعت زائل شده دوباره به مجنی^۴ علیه بازگشته و این می تواند به لحاظ علمی، ناشی از رفع موانع

باشد. هبه الهی در دایره تصمیمات دانش پزشکی جایی ندارد که وجهی در عدم استرداد دیه محسوب شود. نتیجه این است که اگر تفصیل مذکور پذیرفته شود و از آنجا که مرجع اعلام نظر برای تفصیل مذکور، پزشک متخصص است باید گفت که هیچگاه نوبت به ثبوت فصل هبه الهی نرسیده و همیشه حکم به استرداد دیه خواهد شد؛ زیرا پزشک متخصص براساس آزمایش‌ها و تجهیزات پزشکی و تجارب علمی همان نظری را خواهد داشت که در ابتدای زوال جنایت اعلام کرده بود. از اینرو است که بسیاری از فقهای امامیه به تفصیل مذکور اشاره نکرده و بازگشت منفعت زائل شده را بعد از اعلام نظر پزشک متخصص مبنی بر عدم بازگشت منفعت، هبه الهی دانسته و دیه را غیر قابل استرداد می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۶۸۸/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲۵۴/۱۰). براساس مطالب گفته شده، به نظر می‌آید که تفصیل بحث در فرض بازگشت منفعت با مشکلات جدی مواجه است که تشخیص آن از عهده پزشک متخصص به عللی که پیش‌تر گفته شد خارج است. لکن نباید خطای پزشکی را هم در تشخیص بازگشت یا عدم بازگشت منفعت از نظر دور داشت؛ از اینرو می‌توان بعد از اعلام نظر تخصصی پزشک مبنی بر عدم بازگشت منفعت، با حفظ حکم استقرار دیه، به جهت مصون ماندن حداکثری از خطای پزشکی، مدت مضبوطی را که طبق نظر پزشک متخصص و ناظر بر حالات مجنی‌علیه تنظیم می‌شود در نظر گرفت؛ لکن اگر منفعت زائل شده موافق با نظر پزشک متخصص در مدت مضبوط به مجنی‌علیه باز نگردد همچنان حکم استقرار دیه پابرجا خواهد بود و اگر منفعت زائل شده علیرغم دیدگاه تخصصی پزشک، قبل از اتمام مدت مضبوط به مجنی‌علیه باز گردد آنگاه حکم به استرداد دیه خواهد شد و ارش مدت عدم منفعت محاسبه می‌شود، لکن بازگشت منفعت بعد از مدت مضبوط به مثابه عطیه الهی محسوب می‌شود که عدم استرداد دیه را به دنبال خواهد داشت.

بر اساس دیدگاه‌های طرح شده، می‌توان فرض مورد بحث را از جمله فرضی دانست که هیچ یک از فقهای امامیه نه تنها تضارب رأی درباره آن ندارند، بلکه غالباً با ادبیات واحدی در باره آن بحث کرده و اتفاق دیدگاه خود را اعلان کرده‌اند. همچنان که پیش‌تر گفته شد، موضوع استقرار و پرداخت دیه کامل منفعت منوط به زوال قطعی منفعت است؛ لکن در فرض حاضر، پزشک متخصص نه تنها زوال قطعی منفعت را تأیید نمی‌کند بلکه امید به بازگشت منفعت دارد. بر این اساس، موضوع استقرار دیه که زوال قطعی منفعت باشد محقق نشده و تبعاً نمی‌توان حکم به استقرار دیه نمود (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۶۸۴/۳؛ نجفی، بی تا: ۲۹۷/۴۳؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۲۶/۷؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۱۹/۱۱). هرچند حکم به عدم پرداخت دیه در ابتدای جنایت و با امید بازگشت منفعت، می‌تواند ملکه عدالت را در حق جانی جاری نماید لکن لازم است جهت حفظ حقوق مجنی‌علیه، سازوکاری در نظر گرفته شود تا تکلیف دیه وی مشخص شود. برای همین منظور، همان‌طور که فقهای امامیه در زوال منافع گوناگون متذکر شده‌اند پزشک متخصص بر اساس شواهد و قرائن جنایت ایجاد شده و همچنین ناظر بر دانش تخصصی و آزمایش‌های صورت گرفته، زمان مشخصی را برای انتظار بازگشت منفعت زائل شده در نظر گرفته و لازم است که جهت ثبوت یا عدم ثبوت دیه کامل منفعت تا پایان آن زمان منتظر ماند. لکن مدت انتظار برای منافع گوناگون با کمی تفاوت در متون فقهی یافت می‌شود که پیش‌تر به آن اشاره شد؛ اما با ارزیابی - های فقهی می‌توان ملاک واحدی برای همه آنها در نظر گرفت. گروهی از فقها در منفعت عقل با استناد به صحیح‌ه ابو عبیده حذاء، مدت انتظار را یک سال تعریف می‌نمایند (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۳۰/۴۲). گروهی از فقها مدت زمان انتظار را برای بازگشت منفعت شنوایی و بینایی، محدود به عدد خاصی نکرده و آن را به عرف واگذار نموده‌اند (خمینی، ۱۳۹۲: ۶۲۸/۲ و ۶۳۰). همچنین گروهی از فقها، مدت انتظار را برای بازگشت بینایی به پزشک متخصص واگذار می‌نمایند (محقق حلی، ۱۴۱۳: ۲۵۶/۴).

صاحب جواهر الکلام با صحیحه خواندن روایت سلیمان بن خالد، اشاره‌ای به یک سال بودن مدّت انتظار برای بازگشت منفعت بینایی می‌نماید (نجفی، بی‌تا: ۳۰۲/۴۳) لکن روایت سلیمان بن خالد به علّت وجود فردی به نام «حماد بن زید» در سلسله روایت آن، روایت ضعیفی است که هیچ‌یک از فقهای امامیه به آن عمل نکرده‌اند (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۲/۴۴۰). همان طور که در طرح دیدگاه‌ها مورد اشاره قرار گرفت، فقهای امامیه به تفصیل درباره دیگر منافع بحث نکرده‌اند؛ لکن به طور کلی بیان شده است که سایر منافع در احکام و قواعد، مانند منفعت شنوایی و بینایی خواهند بود (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۲/۴۴۶). با تتبع در آرای فقهی معلوم می‌شود که هرچند فقهای امامیه به طور جدّی قائل به تعریف زمان مضبوط برای بازگشت منفعت زائل شده هستند اما این زمان مضبوط را منحصر در عدد خاصی نکرده و بازه آغازین و سرانجام آن را به تصریح عباراتی نظیر «أحالوا الأمر علی أهل الخبره»، «مدّه معینه متعارفه» و «له شاهدان من أهل الخبره»، به کارشناس کار که می‌تواند پزشک متخصص در زمان حاضر باشد، سپرده‌اند (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۲/۴۴۶؛ خمینی، ۱۳۹۲: ۲/۶۲۸ و ۶۳۰؛ محقق حلی، ۱۴۱۳: ۲۵۶/۴). محقق خوئی درباره بازگشت منفعت شنوایی، هرچند به روایت سلیمان بن خالد توجه داده و ناظر بر آن روایت، مدّت لازم برای بازگشت منفعت شنوایی را اجمالاً به مدّت یک سال اشاره می‌نماید، اما علاوه بر این که روایت مزبور - آنچنان که پیش‌تر گفته شد - با ضعف سندی مواجه است، خود محقق خوئی در انتهای بحث اضافه می‌نماید که نظر مشهور فقها به یک سال مقید نشده است، بلکه تعیین مدّت انتظار برای بازگشت منفعت شنوایی بسته به نظر پزشک متخصص تعیین می‌شود (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۲/۴۳۴). به نظر می‌آید که تعیین مدّت یک سال برای بازگشت منفعت عقل در روایت ابو عبیده حذاء اینگونه باشد که خلأ تجهیزات پیشرفته پزشکی و آزمایش‌های تخصصی موجب تعیین مدّت به میزان یک سال شده است؛ بر این اساس باید گفت که مدّت یک سال در روایت مذکور، موضوعیت خاصی ندارد بلکه

از باب طریقیّت است تا مشخص شود که آیا منفعت زائل شده به طور دائم زائل شده است یا بازخواهد گشت. براساس مطالب مذکور باید گفت که مقصود از تمامی عبارات فقها مانند «أحالوا الأمر علی أهل الخبره»، «مدّه معینّه متعارفه» و «له شاهدان من أهل الخبره» همان طور که مشهور فقها اعلام می‌دارند واگذار کردن بازه آغازین و سرانجام مدّت مضبوط به دست پزشک متخصص براساس موضوع منافع، متفاوت است.

۵-۴- بازگشت منفعت قبل از اتمام زمان مضبوط

فروض حاضر از جمله فروض اتفاقی و بدون حتی کوچک ترین اختلاف نظر بین فقهای امامیه است. هرگاه پزشک متخصص براساس قرائن علمی و تجربی، اقدام به تعریف زمان خاصّ برای بازگشت منفعت نماید و تا قبل از اتمام زمان موردنظر، منفعت زائل شده به مجنیّ علیه بازگردد، قطعاً لزوم دیه منفعت منتفی خواهد بود و ارش مدّت زوال منفعت لحاظ خواهد شد؛ زیرا موضوع ثبوت دیه کامل منفعت، منصرف به حالتی است که منفعت موردنظر به طور دائم زائل شود، نه این که به علّت مانعی برای مدّت محدود و موقت زائل شود (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۳۱/۴۲؛ علامه حلّی، ۱۴۱۳: ۶۸۴/۳؛ حسینی عاملی، بی تا: ۴۶۰/۱۰؛ نجفی، بی تا: ۳۰۲/۳ و ۶۶۴). بدیهی است اگر منفعت زائل شده تا انتهای زمان مضبوط به مجنیّ علیه بازنگردد، حکم به استقرار دیه خواهد شد (علامه حلّی، ۱۴۱۳: ۶۸۴/۳؛ نجفی، بی تا: ۲۹۷/۳؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۲۸/۷؛ حسینی عاملی، بی تا: ۴۷۲/۱۰).

۵-۵- بازگشت منفعت بعد از اتمام زمان مضبوط

از چالشی ترین فروض پژوهش حاضر، فرضی است که منفعت زائل شده بعد از اتمام زمان مضبوط به مجنیّ علیه بازگردد. بسیاری از فقهای امامیه فرض بازگشت منفعت بعد از اتمام زمان مضبوط را محکوم به استقرار دیه می‌دانند (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۳۱/۴۲؛ خمینی، ۱۳۹۲: ۶۲۸/۲). علّت حکم مذکور در کلام فقها با عبارت «هبه

مجدده من الله» قابل مشاهده است؛ آری، فقهای امامیه بر این باورند که منفعت بازآمده بعد از اتمام زمان مضبوط، عطیه الهی به مجنی^۱ علیه است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۳۸/۵؛ نجفی، بی تا: ۲۹۵/۳؛ خوئی، ۱۴۱۸: ۴۳۴/۴۲). صاحب جواهر در بازگشت منفعت شنوایی بعد از اتمام زمان مضبوط بر این باور است که دیه کامل منفعت لازم نخواهد بود، بلکه ارش مدّت ناشنوایی ثابت خواهد شد؛ زیرا معلوم می شود که شنوایی مجنی^۲ علیه به طور کامل از بین نرفته بود؛ همچنین می توان این دیدگاه را با خطای کارشناس در تعیین مدّت، صادق دانست (نجفی، بی تا: ۲۹۷/۳) لکن کلام صاحب جواهر با دو نقد مواجه است؛ نخست آن که پذیرش کلام مذکور با بی اثر کردن تعریف زمان مضبوط که خود صاحب جواهر قویاً بدان معتقد است مواجه خواهد شد؛ زیرا تعریف زمان از سوی پزشک متخصص برای مهلت دادن به بازگشت منفعت صورت پذیرفته است و اگر حکم بازگشت منفعت بعد از زمان مضبوط با حکم بازگشت منفعت قبل از زمان مضبوط مساوی باشد، اساساً تعریف زمان مضبوط بلافایده خواهد بود. ثانیاً، دیدگاهی که صاحب جواهر در مقام دفاع از آن است درباره منفعت شنوایی مطرح شده است، لکن صاحب جواهر در بازگشت سایر منافع بعد از زمان مضبوط، قائل به لزوم دیه کامل منفعت است تا آنجا که بازگشت منفعت را بعد از زمان مضبوط، صراحتاً عطیه الهی اعلام می نماید (نجفی، بی تا: ۲۹۵/۳ و ۳۰۲). به نظر می آید که هیچ تفاوت خاصی بین منافع عقل و بینایی با منفعت شنوایی وجود ندارد که کلام صاحب جواهر در منعت شنوایی متفاوت از کلام خویش و دیگر فقها شده است. لازم به ذکر است که روایت خاصی درباره بازگشت منفعت شنوایی در دست صاحب جواهر نیست که ادعای ثبوت ارش برای بازگشت منفعت بعد از زمان مضبوط، بر آن روایت مستند شود. همان طور که پیش تر اشاره شد گروهی از فقهای امامیه در بازگشت منفعت بعد از زمان مضبوط به تصالح بین طرفین اشاره کرده اند (خمینی، ۱۳۹۲: ۶۳۱/۲) لکن دیدگاه مذکور علیرغم این که برخوردار از پشتوانه روایی نبوده و در بین

فقه‌های امامیه قائل جدی ندارند، با اصول ثبوت دیه هم منافات دارد؛ زیرا با زوال منفعت و عدم بازگشت آن در زمان مضبوط، دیه کامل منفعت لازم شده است و انصراف آن به مصالح، نیازمند دلیل خاص است که چنین دلیلی هم موجود نیست.

۶-۵- امید به بازگشت منفعت در زمان غیر مضبوط

بسیاری از فقه‌های امامیه در فرض حواله بازگشت منفعت به زمان نامعلوم، بر این باور هستند که دیه منفعت مستقر خواهد شد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۲۸/۷؛ نجفی، بی تا: ۲۹۷/۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۰۹/۱۱) زیرا تحمّل انتظار نامعلوم برای استقرار دیه، می‌تواند موجبات سقوط دیه را فراهم آورده و در این میان، حقوق مجنی علیه پایمال خواهد شد (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۱۳/۱۱؛ خمینی، ۱۳۹۲: ۶۲۹/۲؛ حسینی عاملی، بی تا: ۴۵۷/۱۰؛ نجفی، بی تا: ۳۰۲/۳).

۷-۵- بازگشت منفعت در زمان غیر مضبوط

به هر علت پزشکی یا غیر پزشکی، ممکن است که منفعت زائل شده در فرض امید به بازگشت آن در زمان غیر مضبوط به مجنی علیه بازگردد. بسیاری از فقه‌های امامیه، حکم فرض موردنظر را عدم استرداد دیه می‌دانند؛ زیرا بازگشت منفعت به مثابه عطیه الهی است (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۰۶/۱۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۶۸۴/۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۳۸/۵).

گروهی از فقها، حکم بازگشت منفعت را در زمان نامعلوم به دو صورت بحث می‌کنند: صورت اول، حکم به استرداد دیه و ثبوت ارش است. صورت مذکور هنگامی است که بازگشت منفعت، کاشف از این باشد که منفعت مجنی علیه از همان ابتدا از بین نرفته و فقط مانعی موقتی برای بینایی وی ایجاد شده بود (خوئی، ۱۴۱۸: ۴۴۰/۴۲؛ نجفی، بی تا: ۳۰۲/۳)؛ صورت دوم، مانند بسیاری از فقها، حکم به عدم استرداد دیه است. صورت مذکور، هنگامی است که معلوم شود منفعت از همان ابتدا زائل شده است و بازگشت مجدد منفعت، عطیه الهی به مجنی علیه است (خوئی،

۱۴۱۸: ۴۴۰/۴۲). با مذاقه در تفصیل مذکور مشخص می‌شود که تفاوت ماهوی با دیدگاه غالب فقها ندارد؛ زیرا فقهای هم که تنها حکم به عدم استرداد دیه در فرض بازگشت منفعت در زمان غیر مضبوط می‌دهند به زوال منفعت از همان ابتدای جنایت باور داشته و بازگشت منفعت جدید را هبه الهی قلمداد می‌نمایند. اما صورت اول تفصیل که بیانگر احتمال مانع برای بازگشت منفعت است، مشابه تفصیلی است که در فرض «بازگشت منفعت در فرض عدم امید» مورد ارزیابی واقع شد. نتیجه همان است که تفصیل موردنظر، اثر واقعی ندارد و اگر این تفصیل پذیرفته شود - همچنان که در فرض «بازگشت منفعت در فرض عدم امید» به تفصیل بحث شد - باید گفت که هیچگاه نوبت به ثبوت فصل هبه الهی نرسیده و همیشه حکم به استرداد دیه خواهد شد. لکن برای حفظ حقوق طرفین دعوا و نزدیک شدن هرچه بیشتر به حکم واقعی و دور ماندن هرچه بیشتر از خطای پزشکی، می‌توان بعد از اعلام نظر تخصصی پزشک مبنی بر بازگشت منفعت در زمان نامعلوم، پزشک متخصص را ملزم نمود تا براساس شواهد و قرائن حدّ اقلی و ناظر بر تجربیات علمی و عملی با حفظ حکم استقرار دیه، مدّت مضبوطی را برای بازگشت منفعت در نظر بگیرد؛ اگر منفعت زائل شده در مدّت مضبوط به معنی^۱ علیه بازنگردد همچنان حکم استقرار دیه پابرجا خواهد بود؛ لکن اگر منفعت زائل شده تا قبل از اتمام مدّت مضبوط به معنی^۲ علیه بازگردد آنگاه حکم به استرداد دیه خواهد و ارش مدّت عدم منفعت محاسبه می‌شود، ولی بازگشت منفعت بعد از مدّت مضبوط، به مثابه عطیه الهی محسوب می‌شود که حکم آن، عدم استرداد دیه خواهد بود.

نتیجه گیری

موضوع دیات از جمله مباحثی است که جداً نیازمند تعریف ساختار در بخش‌های مختلف است. تعریف چارچوب خاصّ در بخش‌های مختلف دیات می‌تواند رویه‌های

واحد و البته مبتنی بر مراجع علمی خود را به منصف ظهور رساند که این قطعاً در تحقق عدالت قضایی نقش بسزایی دارد. حکم کیفیت و کمیت دیات در منافع زائل شده به روش ساختارمند اینچنین است که اگر پزشک متخصص امید به بازگشت منفعت ندارد، دیه منفعت مستقر می‌شود؛ لکن برای مصون ماندن از خطای پزشکی، اقدام به تعریف زمان مضبوط برای بازگشت منفعت می‌شود. اگر بازگشت منفعت تا قبل از اتمام مدت مضبوط اتفاق افتاد، آنگاه دیه مسترد شده و ارزش مدت عدم منفعت لازم می‌شود. اما اگر پزشک متخصص امید به بازگشت منفعت دارد، دیه مستقر نمی‌شود، لکن برای مصون ماندن از خطای پزشکی، اقدام به تعریف زمان مضبوط برای بازگشت منفعت می‌شود. اگر بازگشت منفعت تا قبل از اتمام مدت مضبوط اتفاق افتاد، آنگاه ارزش مدت عدم منفعت لازم می‌شود؛ لکن اگر مدت مضبوط به پایان رسید و منفعت بازنگشت، آنگاه دیه مستقر می‌شود و اگر منفعت بعد از اتمام زمان مضبوط بازگشت، دیه مسترد نشده و از آن به عنوان عطیه الهی یاد می‌شود. نتیجه پیش‌رو در پژوهش حاضر، با حفظ محتوای فرض امید به بازگشت منفعت در زمان غیر مضبوط، اما شکل فرض مذکور را در وضع و اجرای قوانین حذف می‌نماید؛ زیرا وقتی قرار باشد که در هر صورت برای مصون ماندن از خطای پزشکی، اقدام به تعریف زمان مضبوط شود دلیلی ندارد که موضوعیت مستقلی برای فرض امید به بازگشت منفعت در زمان غیر مضبوط تعریف شود. لازم به ذکر است که تعریف زمان مضبوط در هر صورت در اختیار تیم پزشکی متخصص بوده که در هر منفعت با توجه به نوع آسیب وارده می‌تواند متفاوت باشد.

منابع

- ابن سعید، یحیی بن احمد (۱۴۰۵ق)، **الجامع للشرائع**، قم: مؤسسه سید الشهداء (ع).
- ابو عطا، محمد؛ شمس الهی، عطیه (۱۳۹۱)، **تحلیل مبنا و ماهیت حقوقی ارش**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۵، ۹-۲۵.

٢٠١ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ١٤ - شماره ٢٩ - زمستان ١٤٠١

- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (١٤١٠ق). **الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه**، ج ١٠، قم: مکتبه الداوری.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (١٤١٣ق)، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، ج ١٥، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد (بی تا)، **مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه**، ج ١٠، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (١٤١٣ق)، **قواعد الأحكام**، ج ٣، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (١٤٢٠ق)، **تحریر الأحكام الشرعیه علی مذهب الإمامیه**، ج ٥، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (١٤٠٨ق)، **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ٤، قم: اسماعیلیان.
- خمینی (امام)، سید روح الله (١٣٩٢)، **تحریر الوسیله**، ج ٢، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوئی، سید ابوالقاسم (١٤١٨ق)، **موسوعه الإمام الخوئی**، ج ٤٢، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی.
- روحانی، سید صادق (بی تا)، **منهاج الصالحین**، ج ٣، بی جا: بی نا.
- سبحانی تبریزی، جعفر (١٣٩٢)، **أحكام الديات فی الشریعه الإسلامیه النجریه**، ج ١، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (١٣٦٣)، **من لایحضره الفقیه**، ج ٤، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صیمری، مفلح بن حسن (١٤٠٨ق)، **تلخیص الخلاف و خلاصه الاختلاف**، ج ٣، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (١٣٦٥)، **تهذیب الأحكام**، ج ١٠، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (١٣٨٧)، **المبسوط فی فقه الإمامیه**، ج ٧، تهران: المکتبه المرتضویه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (١٤٠٧ق)، **الخلاف**، ج ٥، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

بازگشت منافع زائل شده؛ استقرار و استرداد دیات _____ ۲۰۲

- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، **كشف اللثام و الايهام عن قواعد الأحكام**، ج ۱۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الكافی**، ج ۷، تهران: دار الكتب الإسلامیه.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳)، **مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام**، ج ۲۹، قم: السید عبد الاعلی السبزواری.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (بی تا)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

